اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۳۳)

غبار (۱)

بعضی محدوده ها و خط قرمزها در دنیای مادی هست که نباید نزدیک آن شوید، زیرا در صورت نزدیکی غبارآلود می شوید. موضوع مقاله کنونی با عنوان "غبار" همین است. خدای رحمان خودش می‌فرماید که نزدیک این محدوده ها نشوید و یا نزدیک این حالات نشوید. مثلاً فرموده است که در حالت سکارا به نماز نزدیک نشوید (يَا أَيُّهَا الَّذِين آمَنُوا لاَ تَقْرَبُوا الصَّلوة وَ أَنْتُم سُكَارَي) **یا جای دیگری فرموده است که نزدیک زنا نشوید** (وَ لاَ تَقْرَبُوا الزِّنيَ) **و همچنین در آیه دیگری فرموده است که به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به روش پسندیده آن** (وَ لاَ تَقْرَبُوا مَال الْيَتِيم إِلاَّ بِالَّتِي هِي أَحْسَن حَتَّي يَبْلُغ أَشُدَّه)**.**

بعضی‌ها فکر می‌کنند که به این علت خدا فرموده است که نزدیک نشوید تا که مرتکب آن گناه نشوید در حالی که اینطوری نیست. و بلکه در این گونه موارد اصل گناه، خود نزدیک شدن به گناه است. خدا نمی فرماید که در حالت سکاری نماز بجا نیاورید، بلکه میفرماید نزدیک آن نشوید (لاَ تَقْرَبُوا**). عبارت لاتقربوا در عربی یعنی نزدیک نشوید. لیست آیه هایی که عبارت لاتقربوا در آن ذکر شده است:**

... تِلْك حُدُودُ الله فَلاَ تَقْرَبُوهَا ...

... لاَ تَقْرَبُوهُن حَتَّي يَطْهُرْن ...

... لاَ تَقْرَبُوا الصَّلوة وَ أَنْتُم سُكَارَي ...

... لاَ تَقْرَبُوا الْفَوَاحِش مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَن ...

... لاَ تَقْرَبُوا مَال الْيَتِيم إِلاَّ بِالَّتِي هِي أَحْسَن حَتَّي يَبْلُغ أَشُدَّه ...

... لاَ تَقْرَبُوا الزِّنَي ...

... وَ لاَ تَقْرَبَا هَذِه الشَّجَرَة ...

در تمام این هفت مورد، نزدیک شدن به محدوده‌های گناه از ارتکاب آن خطرناک‌تر است. زیرا انجام این گناهان همیشه با نزدیک شدن به آن شروع میشود. بعضی محدوده‌ها و حالات را نباید نزدیکش شوید، زیرا این محدوده‌ها و مرزها انسان را وارد دنیای دیگری می‌کنند و ممکن است وارد یک فضای دیگری شوید که نتوانید خود را از آن دور نگه دارید و در آن فضای جدید حل شوید. به همین خاطر است که خدای رحمان مقدمات، زمینه ها، مکانها، نگاهها و راههای منتهی به آن گناه را نیز ممنوع اعلام میکند. یعنی انسان نباید حتی پا در مسیری بگذارد که ممکن است او را به آن گناه بکشاند. این یعنی یک حصارکشی محکم برای محدوده های الهی باید قرار داد. این نشان میدهد که امر و نهی های خدای رحمان به خاطر کیفر نیست، بلکه خدای رحمان می خواهند انسان پرهیزگار و بهشتی بسازند.

کسی که بغل یک سیگاری می‌نشیند، شاید از خود فرد سیگاری بیشتر ضرر ببیند. زیرا بدون آن که خودش بخواهد، دود و غبار سیگار به او خواهد رسید. کسی که به محدوده‌های گناهان نزدیک می‌شود، در ذهن خویش فکر می‌کند که مرتکب آن نشده است؛ ولی بدون آنکه خود بداند دروازه‌های دیگری برای او گشوده شده است و این بار حتی ممکن است که نسبت به انجام آن گناه یقین پیدا کند و خیلی جدی‌تر آن را دنبال کند. ضرر دیگری که نزدیک

شدن به محدوده های خط قرمز دارد، این است که فرد بالاخره در آن گناه خواهد افتاد (یک بار جستی ملخک دوبار جستی ملخک آخر تو دستی ملخک). کسی که به محیط گناه، جمع گناه، فیلم و سریالهای محرک و حتی گفتگوهای آلوده نزدیک میشود، بدون آنکه خودش بداند، به دود و غبار محیط آلوده میشود. غبار آلود شدن یکی از صفات جهنمیان است.

آنان ممکن است خودشان اهل گناه نباشند، ولی ناخواسته و یا خواسته غبار گناهان روی آنان نشسته است. خدای رحمان جهنمیانی را توصیف میکند که غبار روی آنان را گرفته است.

وَ وُجُوه يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَة (عبس: ٤٠) و صورتهايي در آن روز غبارآلود است،

غبارآلود بودن مربوط به این دنیا هم هست و فقط مربوط به آخرت نیست. زن پیامبر لوط اگر چه با لواط کاران نبود، ولی کنجکاو شده بود و از نگاه کردن لذت می برد و به همین خاطر جزو کسانی است که جزو غبارگرفتگان (الْغَابِرِين) معرفی شده است.

فَأَنْجَيْنَاه وَ أَهْلَه إِلاَّ امْرَأَتَه كَانَت مِن الْغَابِرِين (اعراف: ۸۳)

(چون کار به اینجا رسید،) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم جز همسرش، که از غبارگرفتگان بود.

این ثابت میکند که حتی غبارگرفتگان و غبارزدگان هم نجات نمی یابند و در عذابها، آنها هم شامل میشوند. نزدیک شدن به محوطه گناه، باعث از بین رفتن محوطه امن ایمان می شود. خدای رحمان مهربان است و در مقابل محوطه و محدوده گناه، محوطه و محدوده ایمان را برای مومنان در نظر گرفته است که اگر کسی پندار نیک (ایمان) داشته باشد، محوطه امنی برای خود ایجاد میکند. باید پندار نیک داشته باشید، نه به این خاطر که گناه نکنید، بلکه به این خاطر که امکان گناه را از خود بگیرید. این یعنی ایجاد محوطه ایمان و ایجاد محوطه امن پنداری.

محوطه و محدوده ایمان   در مقابل   محوطه و محدوده گناه

خدا ما را از نزدیک شدن به محدوده گناهان نهی میکند و همزمان ما را به محدوده ایمان فرا می خواند. در محدوده ایمان است که امنیت روانی برقرار

میشود و خطرات روانی بشدت کاهش می یابد. اخذ منش و پندار نیک یک نوع ایجاد محوطه و محدوده ایمانی است که یک روش برای مقابله با محوطه و محدوده های گناه و خط قرمزهاست.

پس مهمترین دلیل برای نزدیک نشدن به محوطه های گناهان، غبارآلود نشدن و دودی نشدن است. زن لوط به تجسس و کنجکاوی در مورد کارهای قوم لوط علاقه داشت و از اینکه ببیند آنها چه میکنند، لذت میبرد. همین علاقه و تجسس او را غبارآلود کرد. غبار گناه مانع دیدن حقایق میشود. به همین خاطر است که باید در مقابل این غبارهای محیط، ماسک تقوا بزنیم و خود را از آثار مضر آن دور نگه داریم. بنابراین :

ماسک پنداری، ماسک کرداری، ماسک گفتاری

تقوای پنداری، تقوای کرداری، تقوای گفتاری

از طرف دیگر، غبار مانع دیدن حقایق می شود. مثل غشاوه ای نمی گذارد که واقعیت برای فرد غبارگرفته آشکار شود. مناطق ممنوعه و خط قرمز، پر از غبار است و اگر چه این غبارها را شاید نتوان با چشم ظاهری دید؛ ولی چشم

بصیرت می خواهد تا دیده شود. خدا میخواهد که ما این غبارها را حس کنیم و خود را از آن دور کنیم تا که غبار آلود نشویم. توجه کنید که :

غبارآلود شدن برای جهنمی شدن کافی است، حتی اگر مرتکب اصل گناه نشده باشید.

خدای رحمان در بهشت به آدم و حوا دستور فرمود که به آن درخت نزدیک نشوند (وَ لاَ تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ**). منظورش این بود که گناه اصلی نزدیک شدن به درخت بود. زیرا نزدیک شدن به درخت ممنوعه فراتر از خوردن آن است. کسی که نزدیک درخت ممنوعه می‌شود، ولی به خیال خود از آن نمی‌خورد به مرور نظر او نسبت به درخت عوض می‌شود و نسبت به آن یقین پیدا می‌کند و به آن ایمان می‌آورد.**

مثال این مورد زن و شوهرهایی هستند که پیش همدیگر زندگی می‌کنند و هر روز همدیگر را با حرف‌ها و متلک‌ها اذیت می‌کنند. آنها در ظاهر طلاق نگرفته‌اند ولی وارد محوطه‌ای شده‌اند که در آن هر چیز مجاز است به جز طلاق! این حالت از خود طلاق خطرناک‌تر است. این حالت دقیقا مخالف مودت و رحمت است که باید بین آنها جاری باشد.

سیستم باندهای مافیا هم همینطوری است. کسی که وارد و یا نزدیک این باندها و کارتل‌ها شود، دیگر قادر به بیرون آمدن از آن نیست. وقتی خدا

می‌فرماید که نزدیک بعضی محوطه‌ها نشوید، یعنی وارد شدن به آن محوطه، برای همیشه شما را در آنجا نگه می‌دارد. در این محوطه ها، اختیار خودتان تا حدی دست خودتان است، بقیه ماجرا را شما رقم نمی‌زنید. در این محدوده‌ها خواستن توانستن نیست و تصمیم گیری شما اجرا نمی‌شود. غل و زنجیرهایی که خدای رحمان در مورد جهنم بیان میدارند، همگی در محوطه های گناهان وجود دارند و به تبع آن، جهنم هم پر است از این نوع غل و زنجیرها.

تعداد معدودی در یک شهر مرتکب زنا می‌شوند ولی افراد زیادی وارد آن محوطه میشوند. ضرر گروه دومی کمتر از ضرر گروه اولی نیست. در ضمن آمار گروه دومی خیلی بالاتر از گروه اولی است. آمار نزدیک شدن به محدوده‌های قرمز خیلی بالاتر از خود اصل گناهان است. انسانها وقتی در محدوده‌های قرمز قرار می‌گیرند، همه چیز را توجیه می‌کنند و البته انسان در این مورد یک توجیه‌گر حرفه‌ای است. به همین دلیل است که در قرآن، بعد از عبارت لا تقربوا الزنی **بلافاصله می‌فرماید :**

إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا ، همانا زنا، کاری بسیار زشت و بدترین راه است

در این آیه از راه (سبیل) حرف میزند. یعنی زنا نقطه ای نیست و بلکه یک راه و سبیل است. یعنی خود راه رسیدن به آن هم بد است، چون آن راه، تو را آلوده می‌کند.

یک ویدئو در اینترنت دیدم که در آن یک مرد جوان یمنی بی هیچ محافظی به دهانه یک آتشفشان در آن منطقه می‌رفت و ویدیو برای فالوورهای خود تهیه می‌کرد. او مدت‌ها خود را با آن مشغول کرد و کارهای هیجانی و در عین حال خطرناک انجام می‌داد. اما حدود یک ماه پیش در یکی از همین ماجراجویی‌ها پایش لغزید و به داخل دهانه آتشفشان افتاد. جسدش به احتمال قوی ذوب شد و هیچ اثری از او پیدا نمی شود. دفعه آخری خودش موفق نشد که ویدئویش را آپلود کند. کس دیگری از آن فیلم می‌گرفت و فیلم توسط شخص ثالث منتشر شد.

خدا هیچ وقت نگفته است که "خود را به داخل آتشفشان نیندازید"، بلکه فرموده است "به دهانه آتشفشان و خطر نزدیک نشوید". زیرا وقتی خیلی نزدیک شوید، دیگر توانایی مطرح نیست، بلکه عوامل ناشناخته دیگری وارد معادلات میشوند و تاثیرگزارند. زیرا در دهانه آتشفشان افتادن و نابود شدن یکیست.

زنان و مردان باید خطرات مربوط به خود را بشناسند. خطرات جنس زنان و جنس مردان شبیه نیست. یک زنی می‌گفت که حس می‌کنم که صاحبکارم بهم نظر بد دارد، ولی من بهش محل سگ نمی‌گذارم! بعضی نزدیک شدن ها برای زن و مرد متفاوت است و معانی آن فرق می‌کند. بعضی محدوده‌ها برای زنان خط قرمز است. زنان خودشان می‌گویند که حس‌هایشان قوی‌تر است، پس باید فاصله بیشتری بگیرند تا از خط قرمز دورتر شوند و غبارآلود نشوند و در این مورد نباید خود را با مردان مقایسه کنند. زنان حساس ترند و قطعا آسیب پذیرتر هم هستند و خیلی سریعتر تحت تاثیر قرار می گیرند. پس خط قرمزهایشان هم کاملا فرق دارد و نباید در این مورد خود را با مردان مقایسه کنند. وقتی خدا می‌فرماید که لا تقربوا (نزدیک نشوید)، یعنی اگر نزدیک شوید، باعث آلودگی حواس طبیعی خود خواهی شد و غبار آلود می شوید. بنابراین بهتر است که به این محدوده‌ها نزدیک نشوید که آرامش و امنیت در رعایت این محدوده‌هاست.

در آیه دیگری خدا می‌فرمایند که به مال یتیم نزدیک نشوید. به آن معنا نیست که مال یتیم را نخورید، بلکه به آن معناست که حتی نزدیک شدن به آن هم گناه بزرگی است، زیرا آدمی در محدوده‌های خطرناک، فکرش هزار جا میرود، ممکن است کاری کند که هیچ وقت نتواند جبران کند.

محدوده‌هایی که خدا فرموده است نزدیکش نشوید، شکننده است و اگر نزدیکش شوید، می‌شکند و مهمتر از همه این است که قابل جبران نیست. خدا هیچوقت برای سهو در نماز یا نماز سکاری، کفاره ای در نظر نگرفته است، زیرا سهو در نماز و یا نماز سکاری اصلا قابل جبران نیست. بعضی گناهان را نمی توان جبران کرد. مثلا خوردن عمدی روزه ماه رمضان و یا نمازهایی که از دست رود، قابل جبران نیست.

خود کلمه لا تقربوا (نزدیک نشوید) و کلمه قربانی هم خانواده‌اند و هر دو از ریشه قرب گرفته شده اند. این ثابت می‌کند که وقتی به محدوده‌های خطر وارد و نزدیک می‌شوید، خیلی چیزها را قربانی کرده‌اید تا به آن موقعیت رسیده‌اید. از یک نظر وقتی خدا می‌فرماید لا تقربوا یعنی برای غیر خدا قربانی نکنید. انسان‌ها برای ورود به یک مرز ممنوعه باید قسمتهایی از خود را قربانی کنند. خواننده‌هایی که مرزهای اخلاقی را می‌شکنند، خیلی چیزها را قربانی کرده اند تا به آن موقعیت رسیده‌اند. حتی بعضی هایشان روح و روان خود را به حراج گذاشته اند. خود رفتن به داخل محدوده های قرمز، قربانی میخواهد و ماندن در آنجا هم هزینه بردار است و افراد برای ماندن در محدوده قرمز، باید بطور مداوم قربانی کنند.

البته خیلی واضح است که برای جبران و برگشت به موقعیت پاک قبلی، باز هم باید خیلی روابط و آیتم‌ها را در راه خدا قربانی کنید، تا که بتوانید به راه و مسیر پاک قبلی برگردید. برای ورود به محوطه پادشاهی خدا باید قربانی کنید تا بتوانید وارد بندگان خدا شوید و در نهایت وارد جنت او شوید.

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿۲۷﴾ ای نفس مطمئنه

ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ﴿۲۸﴾ خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿۲۹﴾ و در میان بندگان من درآی

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿۳۰﴾ و در بهشت من داخل شو

پس برای توبه و برگشت از محوطه های قرمز که وارد شده اید و یا نزدیکش شده اید، باید قربانیهایی صورت گیرد و از خود گذشتگیهایی انجام دهید و گرنه قادر به برگشت نخواهید شد.

بعضی از ازواج، اعتماد همسر خودشان را قربانی می‌کنند تا بتوانند دل کس دیگری را به دست آورند. یا وقتی می‌گویی قربانت شوم، نوکرتم، چاکرتم

خاک زیر پایتم، داری نزدیک خط قرمز می‌شوید و داری از شخصیت خود مایه می‌گذارید و شخصیت خود را قربانی می‌کنید تا به کسی نزدیک شوید.

وقتی به محدوده خط قرمز نزدیک می‌شوید، بی‌آنکه خود بدانید خیلی چیزهای خوب خود را قربانی می‌کنید. مهمترین ضرر نزدیک شدن به محدوده های قرمز همین است (قربانی کردن خود در راه غیرخدا).

شاعر که به محدوده قرمز وارد شده است، سمرقند و بخارا را می‌بخشد به خاطر یک خال گونه و همه چیز را می‌دهد و همه چیز خود را قربانی می‌کند. همین شاعر اگر از حالت خیال بیرون آید و با فرد خیالی خود ازدواج کند، بعد از چند روز به بن بست می‌رسد و دادش بلند می‌شود. به همین خاطر است که نزدیک شدن به گناه، خطرناک‌تر از خود گناه است زیرا نزدیک شدن به یک گناه می تواند سالها آدمی را در یک تصور و خیال غلط نگه دارد. خدای رحمان به همه توصیه می‌کند که در صورت امکان ازدواج کنند تا در تصور و خیال نمانند. تا که ماهیت واقعی زنان و مردان را متوجه شوند؛ که آنگاه متوجه می‌شوند که آن چیزی که سالها برای آن له له می‌زدند، آنطوری هم نیست که فکر می‌کردند. ماندن در محدوده های قرمز، این خطر را پرورش میدهد و سالها فرد با آن می ماند، بدون آن که ماهیت واقعی آن را تجربه کند.

خیلی از شعرا جملاتی گفته‌اند که در آن تقربوا **کرده‌اند و به یک مجموعه خط قرمز نزدیک شده‌اند. تمام ابیات و جملات آنان توصیف لحظات** تقربوا **است. وصف لحظاتی است که به آن خط قرمز نزدیک شده‌اند و نه توصیف خود خط قرمز. این همه تطویل و زیاده گوئی شاعران در اشعار، به علت وارد شدن در خط قرمز است. در خط قرمزها مسائلی پیش می‌آید که در لحظات دیگر پیش نمی آید. خط قرمز دنیای دیگری است با نیازها و طرز تفکرات متفاوت. انسان‌ها در حالت** تقربوا **(نزدیک شدن به محدوده گناهان) نیازهای مصنوعی و الکی زیادی پیدا می‌کنند.**

به همین خاطر حرفهای شاعران را کسی درک نمی‌کند، مگر اینکه خودش را در آن ورطه و محدوده خطر بیندازد، که این هم کار عاقلانه‌ای نیست.

زمانی که خدا می‌فرماید در حالت سکاری نماز بجا نیاورید و به آن نزدیک نشوید، فقط به آن معنا نیست که نباید در نماز سهل انگار باشیم، بلکه به آن معناست که نماز سهوی و سکاری حالتی را در آدمی بوجود می آورد که او را به اشتباه می اندازد. نماز سکاری پایه ها و اصول غلطی را در فرد بوجود می آورد. بعد از مدتی فرد به این پایه ها و اصول غلط ایمان می آورد و نسبت به آن یقین پیدا میکند و خیلی جدی راه را اشتباهی می رود. این حالاتی که خدا

می فرماید لا تقربوا، **دروازه های جهنم است. خدا در قرآن خطاب به جهنمیان می فرماید که وارد دروازه های جهنم شوید.**

فَادْخُلُوا أَبْوَاب جَهَنَّم خَالِدِين فِيهَا فَلَبِئْس مَثْوَي الْمُتَكَبِّرِين (نحل: ۲۹)

(به آنها گفته می‌شود:) اکنون از درهای جهنم وارد شوید در حالی که جاودانه در آن خواهید بود! چه جای بدی است جایگاه مستکبران!

کسانی که وارد دروازه های جهنم شوند، وارد خود جهنم هم خواهند شد. جالب است که تعداد دربهای جهنم هفت است و تعداد لاتقربوا **ها در قرآن هم هفت است. عبور از درب یک خانه به معنای وارد شدن به آن خانه است. وارد شدن به ابواب جهنم داستان این دنیا هم هست. کسی که مثلا به مقدمات و محدوده ها و حریمهای زنا نزدیک شود، یعنی به شرایطی که در پیش آمدن زنا موثرند، نزدیک شده است. ان نوع نزدیکی باعث انس گرفتن، عادی شدن، عادت کردن تدریجی به شرایط زناست. در واقع این امورات از آنجا که به طور تدریجی و یواش یواش بوجود می آیند، فرد به روش غلط ایمان می آورد و حتی ممکن است بعد از مدتی از آن هم دفاع بکند و کمپین هم تشکیل دهد. خیلی افراد از همجنس گرائی دفاع میکنند و در کمپینهای**

مربوطه هم شرکت میکنند و خیلی آتشین از آن دفاع میکنند، در حالی که خودشان هم جنس گرا نیستند. دلیل این تعصب خیلی واضح است. آنها به محدوده همجنس گرائی نزدیک شده اند ولی مرتکب آن نشده اند و درحال حاضر از آن دفاع میکنند.

خیلی واضح متوجه خواهیم شد که مثلا نزدیک شدن به زنا با خود گناه زنا فرقی ندارد. تعداد افرادی که نزدیک زنا میشوند، خیلی بیشتر از کسانی است که زنا انجام میدهند. خدای رحمان قشر اولی را مخاطب قرار میدهد و آنان را از نزدیک شدن برحذر میدارد؛ نه به این خاطر که فقط مرتکب زنا نشوند. بلکه خود نزدیک شدن به زنا، یک نوع ایدئولوژی و سبک زندگی است که سبک متفاوتی را به افراد اجبار خواهد کرد. کسی که به زنا نزدیک شود، ضررات بیشتری از خود زنا خواهد دید و تمام زندگیش را تحت تاثیر قرار می دهد.

زیرا در محوطه خط قرمز، آدرنالین جای عقل را می گیرد و لذتهای غددی و دوپامینی انسان را فریب میدهد و فلسفه غلطی را در روان او جا می اندازد. تحقیقات در علوم اعصاب نشان میدهد که مغز انسان، در حالت نزدیک شدن به موفقیت و یا یک هیجان، دوپامین بیشتری نسبت به حالت برنده شدن واقعی ترشح میکند!

به این ترتیب زمانی خواهد رسید که نزدیک شدن نابجا برای شما تصمیم می گیرد. خطر بزرگ، منتظر ماندن در همان نزدیکی مرز انفجار است؛ چون در آن محدوده، شما اهرم کنترل را به محیط و عوامل تصادفی (نگاه، فکر، حرکت و ...) سپرده اید. قوانین فیزیک و شیمی به ما ثابت میکنند که بعضی محدوده های قرمز یک شعاع بحرانی دارند. تا وقتی که بیرون از آن شعاع هستی، قوانین طبیعت و قوانین بدنی و کالبدی خودتان به نفع شما هستند. به محض ورود به شعاع بحرانی (همان نزدیک شدن به گناه)، دیگر قوانین طبیعت علیه شما میشوند و عقل شما زمینگیر میشود. جایی که دیگر عقل بی فایده است. همان خطری که شاعران متعدد اعتراف کردند و گفتند که بعضی جاها عقل بی فایده است. شاعران خودشان نمی دانستند که در محدوده خط قرمز افتاده اند، ولی اعتراف کردند که در بعضی جاها عقل کار نمی کند. اعتراف آنان درست بود؛ اما نفهمیدند که ابیات و فلسفه آنان مربوط به محدوده خط قرمز است.

قماربازها برای ساعتها پای بازی قمار می نشینند؛ چون آنها معتاد تولید دوپامین حس نزدیک شدن به بردن هستند، نه خود بردن. احساس احتمال برنده شدن برای آنها از خود برد لذت بخش تر است و آنها معتاد این نوع نزدیکی هستند.

خاصیت مهم دیگری که در نزدیک شدن به حالات خط قرمز رخ میدهد، نمایان شدن جهنم است. در این محدوده ها، خصوصیات جهنمی ظاهر میشوند. در نزدیک شدن به محدوده های قرمز، جهنم نمایان و ظاهر میشود. این نکته بسیار بسیار مهمی است که معنویت مهمی را در خود دارد. در آخر الزمانها تجاوز به این حریمها خیلی زیاد میشود و شرایط ناخوشایندی برقرار میشود. در نزدیکیهای آخر الزمان اصلی، تجاوز به این خط قرمزها قانونی میشود و بشر تکلیف خودش را مشخص میکند و به همین خاطر است که خدا و فرشتگان وارد آسمان یکم شده و جهنم را خواهند آورد که جهنم جایگاه واقعی این خط قرمزهاست.

وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّم يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَان وَ أَنَّي لَه الذِّكْرَي (فجر: ۲۳)

و در آن روز جهنم را حاضر می‌کنند (آری) در آن روز انسان متذکّر می‌شود امّا این تذکّر چه سودی برای او دارد؟!

هَل يَنْظُرُون إِلاَّ أَنْ يَأْتِيَهُم الله فِي ظُلَل مِن الْغَمَام وَالْمَلائِكَة وَ قُضِي الْأَمْرُ وَ إِلَي الله تُرْجَع الْأُمُورُ (بقره: ۲۱۰)

آیا (پیروان فرمان شیطان، پس از این همه نشانه‌ها و برنامه‌های روشن) انتظار دارند که خداوند و فرشتگان، در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند (و دلایل تازه‌ای در اختیارشان بگذارند؟! با اینکه چنین چیزی محال است!) و همه چیز انجام شده، و همه کارها به سوی خدا بازمی‌گردد.

جهنم، قبل از آنکه یک وعده آخرتی باشد، یک واقعیت دنیایی است که در اثر تجاوز به خطوط قرمز، آشکار میگردد. وقتی همه رشوه بگیرند و همه گران فروشی و کم فروشی کنند، جهنم اقتصادی آشکار میشود. وقتی که روابط افراد خانواده براساس مودت و رحمت نباشد و فلسفه های چرت و پرتی مثل عشق جایگزین مودت و رحمت شوند، آن گاه یک جهنم زناشویی آشکار میشود و همه روابط در خانواده ها می شود بده بستان و پول و خرید و وظیفه و ...

خدا می فرماید که به محوطه های خط قرمز نزدیک نشوید، تا مجبور نشوید که در نقش یک جهنمی بازی کنید. در محوطه ممنوعه، جهنم آشکار میشود و پس نتیجه می گیریم که محوطه ممنوعه یک مثال عینی سبک شده و کم حجم شده و لایت از جهنم است.